رویش روان شناسی، سال۱۱، شماره۵، شماره پیاپی ۷۴، مرداد ۱۴۰۱
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),11(5), 2022

رابطه دلبستگی به والدین و ادراک سندرم ترومای عشق: نقش میانجی طرحواره‌های ناسازگارانه حوزه طرد و بریدگی

Relationship between parental attachment and perception of love trauma syndrome: The mediating role of maladaptive schemas domain of disconnection and rejection

صفحات۱۰۰-۹۱

الهام مصباحی
دانشجوی دکترای مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران.
مجتبی امیری مجد (نویسنده مسئول)
دانشیار، گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران.
محمد قمری
دانشیار، گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران.
سعیده بزازیان
دانشیار، گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران.

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش دلبستگی به والدین و ادراک ترومای عشق با میانجی‌گری طرحواره‌های ناسازگارانه حوزه طرد و بریدگی بود. این پژوهش توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه افراد مجردی بودند که با تجربه شکست عاطفی به مراکز مشاوره دانشگاه‌های علوم پزشکی ایران، تهران و آزاد اسلامی رودهن در سال ۱۳۹۹ مراجعه کردند که به شیوه در دسترس ۲۰۰ نفر به عنوان نمونه مشارکت داشتند. جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از نسخه کوتاه پرسشنامه طرحواره یانگ (YSQ-SF)(یانگ، ۱۹۹۸)، پرسشنامه دلبستگی والدین و همسالان (IPPA) (آرمسدن و گرینبرگ، ۱۹۸۷) و پرسشنامه ضربه عشق (LTI) (راس[1]، ۱۹۹۹) انجام شد. روش تحلیل این پژوهش، مدل معادلات ساختاری بود. پس از اصلاح مدل و حذف روابط غیرمعنادار، نتایج نشان داد که ارتباط با والدین بر ادراک ترومای عشق اثر منفی دارد. همچنین اعتماد به والدین و بیگانگی از والدین بر طرحواره‌های حوزه طرد اثر مستقیم و معنادار دارند (P<۰/۰۵). طرحواره‌های حوزه طرد بر ادراک ترومای عشق اثر مثبت و معنادار دارند. همچنین نتایج نشان داد که اعتماد به والدین و بیگانگی از والدین با میانجی‌گری طرحواره‌های حوزه طرد بر ادراک ترومای عشق به‌ترتیب اثر منفی و مثبت معنادار دارند (P<۰/۰۵). همچنین نتایج نشان داد که مدل پژوهش از برازش مطلوب برخوردار بود. از یافته‌های فوق می‌توان نتیجه گرفت که ادراک ترومای عشق تحت تاثیر دلبستگی به والدین و طرحواره‌های حوزه طرد بود، بنابراین اجرای مداخلات درمانی با هدف بهبود این عوامل پیشنهاد می‌شود.

واژه‌های کلیدی: *طرحواره، طرد و بریدگی، سندرم ترومای عشق، دلبستگی*

Elham Mesbahi
PhD. Candidate in Consulting, Department of Consulting, Faculty of Humanities, Abhar Branch, Islamic Azad University, Abhar, Iran.
Mojtaba AmiriMajd⁎
Associate Professor, Department of Psychology, Faculty of Humanities, Abhar Branch, Islamic Azad University Abhar, Iran.
amirimajd@abhariau.ac.ir
Mohammad Ghamari
Associate Professor, Department of Consulting, Faculty of Humanities, Abhar Branch, Islamic Azad University, Abhar, Iran.
Saeedeh Bazazian
Associate Professor, Department of Psychology, Faculty of Humanities, Abhar Branch, Islamic Azad University, Abhar, Iran.

Abstract

The aim of this study was to investigate the role of attachment to parents and the perception of love trauma: mediated by maladaptive schemas domain of disconnection and rejection. This study was descriptive-correlation. The statistical population of this study included all single people with experience of emotional failure referred to the counseling centers of Iran University of Medical Sciences, Tehran university, and Roodehen Islamic Azad University in 2021, by convenience sampling method 200 people participated as a sample. Data collection was performed using the short version of the Young Schema Questionnaire (YSQ-SF) (Young, 1998), Inventory for Parent and Peer Attachment (IPPA) (Armsden & Greenberg, 1987), and Love Trauma Inventory (LTI) (Rosse, 1999). The method of analysis of this research was the structural equation model. After modifying the model and eliminating non-significant relationships, the results showed that communication with parents has a negative effect on love trauma. Also, trust in parents and alienation from parents have a direct and significant effect on the schemas of exclusion. Rejection schemas have a positive and significant effect on love trauma. The results also showed that trust in parents and alienation from parents through the mediation of exclusion schemas have significant negative and positive effects on love trauma, respectively (P<0.05). From the above findings, it can be concluded that love trauma was influenced by attachment to parents and maladaptive schemas domain of disconnection and rejection, so it is recommended to implement therapeutic interventions to improve these factors.

Keywords: *Schema, disconnection and rejection, love trauma syndrome, attachment.*

نوع مقاله : پژوهشی **دریافت : بهمن ۱۴۰۰** **پذیرش: اسفند ۱۴۰۰** **ویرایش نهایی: مرداد ۱۴۰۱**

1 Rosse

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.5.10.5]

مقدمه

از دست دادن موضوع عشق در دوره جوانی یکی از بزرگ‌ترین ضربه‌هایی است که می‌تواند برای افراد اتفاق بیافتد. جدایی از یک رابطه عشقانه می‌تواند برای هر فردی ضربه‌ای بزرگ محسوب شود و تبدیل به یکی از غم انگیزترین و تلخ‌ترین دوره‌های زندگی فرد شود که از آن به عنوان سندروم ترومای عشق (LTS)[1] یاد می‌کنند (اپستین[2]، ۲۰۱۹). تجربه پریشانی روانشناختی، شایع‌ترین پاسخ افراد در برابر ترومای عشق است، بنابراین به نظر می‌رسد پایان روابط عاشقانه و ترومای عشق نقش مهمی در بهداشت روان افراد در دوران جوانی داشته باشد. راس[3] (۱۹۹۹) برای اولین بار سندرم ترومای عشق را معرفی کرد. سندرم ترومای عشق شامل مجموعه‌ای از علائم و نشانه‌های شدید است که پس از شکست رابطه عاشقانه پس از مدت ها ظاهر می‌شود. کارکرد فرد را در بسیاری از زمینه‌ها (تحصیلی، اجتماعی یا حرفه‌ای) مختل می‌کند و منجر به واکنش‌های ناسازگار می‌شود (راس، ۲۰۰۷).

نتایج مطالعات پیشین دلالت بر این دارد که بین دلبستگی فرد به والدین و کیفیت دوستی‌ها و روابط عاشقانه در جوانی رابطه وجود دارد (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۶؛ دویل و مارکیویزیک[4]، ۲۰۰۵؛ دویل و همکاران، ۲۰۰۹؛ کاراکورت[5] و همکاران، ۲۰۱۳). در واقع طبق نظریه دلبستگی، کیفیت پیوند عاطفی با مراقب اولیه نقش مهمی در کیفیت روابط عاشقانه فرد در جوانی و بزرگسالی دارد. همچنین بررسی‌های پیشین حکایت از این دارد که دلبستگی به والدین یکی عامل مهم در ادراک ترومای عشق است؛ در واقع بیگانگی و جدایی از والدین می‌تواند بر شدت ادراک تروما اثر بگذارد و در مقابل ارتباط و اعتماد به والدین می‌تواند شدت ترومای عشق را تعدیل سازد (شارما[6] و همکاران، ۲۰۲۰). دلبستگی بزرگسال، به ترجیح پایدار و تلاش جدی او، به منظور حفظ رابطه با یک یا تعداد معینی از افراد گفته می‌شود که آرامش و امنیت جسمی و روانی را برای فرد به دنبال دارد (بشارت، ۱۳۹۱). امیری پیچا کلایی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی نشان داد که افراد با شکست عشقی، سبک دلبستگی اضطرابی و اجتنابی بیشتری داشتند. همچنین گریشام و همکاران[7] (۲۰۱۸) در پژوهش دیگری نشان داد که سبک دلبستگی نا ایمن موجب فعال‌سازی تعارضات بین‌فردی می‌شود و در نتیجه منجر به ناپایداری روابط عاشقانه می‌شود.

همچنین مطالعات پیشین دلالت بر این دارد که طرحواره‌های ناسازگارانه اولیه نقش مهمی در ادراک ترومای عشق دارد (اعتمادنیا و همکاران، ۱۴۰۰؛ امیری پیچا کلایی و همکاران، ۱۳۹۱؛ رجبی و نیک‌پور، ۲۰۱۷). طرحواره‌های ناسازگارانه اولیه به عنوان یک موضوع یا الگوی گسترده و فراگیر متشکل از خاطرات، عواطف، شناخت‌ها و احساسات بدنی در مورد خود و روابط خود با دیگران تعریف می‌شود که تا حد معینی ناکارآمد هستند (یانگ[8] و همکاران، ۲۰۰۶)، طرحواره‌های ناسازگار اولیه، باورهایی هستند که به‌طور سختگیرانه‌ای باور دارند که نحوه کدگذاری، تفسیر و پاسخ افراد به محرک‌ها در محیط خود را راهنمایی می‌کنند (ریسو و همکاران. ، ۲۰۰۶؛ یانگ و همکاران، ۲۰۰۶). نظریه و تحقیقات نشان می‌دهد که تجارب اولیه دوران کودکی، یعنی تجربیاتی که شامل خانواده اصلی فرد یا مراقبین اولیه او می‌شود که سمی، مضر یا آسیب زا هستند، تا حد زیادی مسئول ایجاد طرحواره های ناسازگار اولیه هستند (همفری[9] و همکاران، ۲۰۲۲؛ پیلکینگتون[10] و همکاران، ۲۰۲۱؛ اسکات[11] و همکاران، ۲۰۲۰).

یانگ و همکاران (۲۰۰۶) هجده طرحواره‌های ناسازگار اولیه را اولیه را شناسایی کرده‌اند که در پنج حوزه طرد و بریدگی، خودگردانی و عملکرد مختل، محدودیت‌های مختل، دیگر جهت‌مندی و گوش به زنگی افراطی و بازداری قرار می‌گیرند. طبق دیدگاه یانگ و همکاران (۲۰۰۶) همه طرحواره‌های ناسازگانه نقش مخربی در روابط بین فردی دارند، اما در این بین طرحواره‌های حوزه طرد و بریدگی[12] در روابط

1 Love Trauma Syndrome (LTS)
2 Epstein
3 Rosse
4 Doyle & Markiewicz
5 Karakurt
6 Sharma
7Grisham
8 Young
9 Humphrey
10 Pilkington
11 Scott
12 Disconnection and rejection

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.5.10.5]

عاشقانه می‌توانند اثر مخرب‌تری داشته باشند. زیرا این حوزه ارتباط نزدیکی با مفهوم دلبستگی ناایمن دارد، بیشتر به این دلیل که افرادی که دارای این نوع طرحواره هستند، توانایی ایجاد پیوندهای امن با دیگران را ندارند. گمان می‌رود که پیوندهای دلبستگی بر بیان طرحواره ناسازگار تأثیر می‌گذارند، و شواهد به همین ترتیب نشان داده‌اند که دلبستگی ناایمن با تأیید بیشتر طرحواره ناسازگار مرتبط است (سیمارد[1] و همکاران، ۲۰۱۱؛ ماسون[2] و همکاران، ۲۰۰۵).

بررسی‌ها دلالت بر این داد که دلبستگی ناایمن در دوران کودکی یکی از مهم‌ترین عوامل در شکل‌گیری دلبستگی ناسالم به والدین (بی‌اعتمادی و عدم ارتباط) است (ترومبتا[3] و همکاران، ۲۰۲۱)؛ و به تبع آن دلبستگی مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری طرحواره‌های ناسازگارانه است که می‌تواند پیامدهای ناخوشایندی در روابط بین‌فردی داشته باشد (لانگینریچسن-روهلینگ[4] و همکاران، ۲۰۱۷). بررسی مطالعات دلالت بر این دارد که دلبستگی به والدین مبنای رشد عاطفی کودکان است و کیفیت آن به شیوه هیجانی در دوران کودکی ذخیره می‌شود، اگر تجارب دلبستگی با مضامینی همچون طرد، تنهایی، بی‌اعتمادی و رها شدگی همراه باشد، می‌تواند به‌عنوان یک طرحواره تثبیت و مبنای ارزیابی‌های آینده فرد از روابط صمیمانه باشد (خراسانی زاده و همکاران، ۱۳۹۷). از مجموع مباحث مطرح شده اینگونه استباط می‌شود که دلبستگی به والدین یک عامل مهم در شکل‌گیری طرحواره‌های ناسازگارانه است، همچنین مطالعات نشان داد که طرحواره‌ها نیز یک عامل موثری بر ادراک ترومای عشق است؛ اما در بررسی مطالعات پیشین نقش میانجی طرحواره‌های حوزه طرد و بریدگی در رابطه بین دلبستگی به والدین و ادارک ترومای عشق مورد توجه پژوهشگران نبوده است؛ بر این اساس در این مطالعه به بررسی این مدل پرداخته شده است.

بررسی مطالعات پیشین دلالت بر این دارد که شکست در رابطه عاطفی می‌تواند پیامدهای خوشایندی برای جوانان به همراه داشته باشد، به‌طوری که برخی از مطالعات از افزایش نشانگان افسردگی (ورهالن[5] و همکاران، ۲۰۱۹) و اقدام به خودکشی (لاو[6] و همکاران، ۲۰۱۸) در آن‌ها حمایت می‌کند؛ بر این اساس پرداختن به عوامل پیش‌بین ترومای عشق از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و به فهم متخصصان در تدوین برنامه‌های مداخله‌ای برای این گروه از جوانان کمک موثری می‌کند. با توجه به اهمیت این موضوع، مطالعه حاضر با هدف بررسی رابطه دلبستگی به والدین و ادراک سندرم ترومای عشق با میانجی‌گری طرحواره‌های ناسازگارانه حوزه طرد و بریدگی انجام شد.

روش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف جزء پژوهش‌های بنیادی و از لحاظ روش از نوع توصیفی_ همبستگی به روش مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش کلیه افراد مجردی بودند که به دلیل تجربه شکست عاطفی به مراکز مشاوره دانشگاه علوم پزشکی ایران، دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد رودهن در سال ۱۳۹۹ مراجعه کردند که از بین آن‌ها به صورت در دسترس ۲۰۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. در مورد حجم نمونه در روش مدل‌یابی معادلات ساختاری دیدگاه های متفاوتی مطرح شده است. حیمز استونس برای تحلیل رگرسیون چندگانه روش معمولی کمترین مجذور استاندارد، ۱۵ نفر برای هر متغیر اندازه گیری شده را پیشنهاد می‌کند (هومن، ۱۳۸۴). بنابراین با توجه به اینکه تعداد متغیرهای پژوهش حاضر ۹ مورد است، حداقل حجم نمونه قابل قبول ۱۳۵ نمونه است، اما جهت بررسی دقیق‌تر حجم نمونه تا ۲۰۰ نفر افزایش یافت.

دامنه سنی ۱۸تا ۲۸ سال، عدم سابقه ازدواج، کسب نمره برش ۱۰ در پرسشنامه ضربه عشق (LTI)، عدم سابقه سوءمصرف الکل و مواد بر اساس گزارش شخصی مراجعان در پرسشنامه، عدم مصرف داروهای روانپزشکی و سابقه بستری در بیمارستان روان اعصاب و روان بر اساس گزارش شخصی مراجعان به‌عنوان معیارهای ورود بودند؛ همچنین عدم تکمیل پرسشنامه‌ها به‌عنوان معیار خروج در نظر گرفته شد. در این پژوهش همه مشارکت کنندگان فرم رضایت آگاهانه را تایید کردند و همه آن‌ها نسبت به اهداف پژوهش اطلاعات کامل داشتند.

1 Simard
2 Mason
3 Trombetta
4 Langhinrichsen-Rohling
5 Verhallen
6 Love

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.5.10.5]

شرکت در این پژوهش اختیاری بود و افراد با رضایت کامل به‌صورت داوطلبانه مشارکت داشتند. در مورد حفظ رازداری و امانت‌داری در اطلاعات شرکت‌کنندگان به آن‌ها اطمینان کامل داده شد و جهت حفظ اعتماد بیشتر، نام و نام خانوادگی آن‌ها در پرسشنامه‌ها درج نشد. داده‌ها با نرم افزارهای SPSS 24 و AMOS 24 انجام شد، تحلیل داده‌ها با استفاده از روش مدل معادلات ساختاری انجام شد.

ابزار سنجش

نسخه کوتاه پرسشنامه طرحواره یانگ (YSQ-SF)[1]: این پرسشنامه توسط یانگ در سال ۱۹۹۸ بر پایه مشاهدات تجربه شده توسط متخصصان بالینی ساخته شده است. این پرسشنامه خودگزارشی است و ۷۵ گویه دارد که ۱۵ طرحواره ناسازگار اولیه را ارزیابی می‌کند. این ۱۵ طرحواره در پنج حوزه بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، محدویت‌های مختل، دیگر جهت‌مندی و گوش به زنگی بیش از حد / بازداری قرار می‌گیرند (یانگ، ۱۹۹۸). هر گویه روی پیوستار شش درجه‌ای «به‌طور کامل در مورد من نادرست است=۱» تا «به‌طور کامل مرا توصیف می‌کند=۶» پاسخ داده می‌شود. نمره بالا در یک خرده مقیاس نشانگر طرحواره ناسازگار است. در این مطالعه فقط سوالات طرحواره‌های طرد و بریدگی اجرا شد. والر[2] و همکاران (۲۰۰۱) روایی این آزمون را به روش تحلیل عاملی تاییدی مورد بررسی قرار داده و ۱۵ طرحواره ناسازگارانه را تایید کردند و پایایی همسای درونی کل پرسشنامه را به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۶ گزارش دادند. به علاوه همسانی درونی برای تمامی خرده مقیاس‌ها بالاتر از ۰/۸۰ بود. پایایی بازآزمایی خرده مقیاس‌ها با فاصله یک ماه هم بین ۰/۵ تا ۰/۸۲ به دست آمد. در ایران روایی این پرسشنامه به روش سازه مورد تایید قرار گرفته است (χ^2/df=۲/۲۵، CFI=۰/۹۵ و RMSEA=۰/۰۳)، و پایایی آن به روش آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس‌ها ۰/۶۲ الی ۰/۹۰ برای کل مقیاس ۰/۹۴ به دست آمد (اکبری و همکاران، ۱۳۹۱). در پژوهش حاضر پایایی به روش آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس طرحواره‌های طرد و بریدگی ۰/۷۸ محاسبه شده.

پرسشنامه دلبستگی والدین و همسالان (IPPA)[3]: این پرسشنامه به وسیله آرمسدن و گرینبرگ[4] (۱۹۸۷) در ۲۴ سوال به‌صورت خودگزارش دهی ایجاد شد که به سنجش امنیت روان شناختی که از داشتن ارتباط با افراد معینی حاصل می گردد می‌پردازد؛ این پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه ای از هیچ‌گاه (نمره ۱) تا همیشه (نمره ۵) نمره‌گذاری می‌شود. در هر بخش از آن موادی وجود دارد که به بررسی دلبستگی در سه زیرمقیاس اعتماد، ارتباط و بیگانگی می پردازد. در پژوهش گالون و رابینسون[5] (۲۰۰۵) روایی این پرسشنامه به روش تحلیل عاملی تاییدی تایید شد (χ^2/df=۳/۷۸، CFI=۰/۹۱ و RMSEA=۰/۰۵)، و پایایی به روش آلفای کرونباخ زیرمقیاس اعتماد به والدین ۰/۸۳، ارتباط با والدین ۰/۷۹و بیگانگی از والدین ۰/۷۶ گزارش شده است. در ایران ناصری محمدآبادی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی مشخصات روانسنجی این پرسشنامه پرداختند. آن‌ها روایی سازه این پرسشنامه را مطلوب و ضریب آلفای کرونباخ را برای زیر مقیاس اعتماد به والدین ۰/۷۴ ارتباط با والدین۰/۷۳ بیگانگی از والدین ۰/۶۹گزارش نمودند و در نسخه همسالان، اعتماد به همسالان ۰/۷۸ ارتباط با همسالان ۰/۶۲ و بیگانگی از همسالان ۰/۶۲ بوده است. در این پژوهش پایایی‌های زیرمقیاس-های اعتماد به والدین ۰/۷۷ ارتباط با والدین ۰/۷۳ بیگانگی از والدین ۰/۷۱ محاسبه شد.

پرسشنامه ضربه عشق (LTI)[6]: این پرسشنامه ابزاری است که راس[7] (۱۹۹۹) برای سنجش ضربه عشق تهیه کرده و از ده ماده ۴ گزینه‌ای تشکیل شده است. این پرسشنامه یک ارزیابی کلی از میزان آشفتگی جسمی، هیجانی، شناختی و رفتاری فراهم می‌کند. نقطه برش این پرسشنامه ۱۰ در نظر گرفته می‌شود. در نمره‌گذاری گزینه‌های هر سوال، به ترتیب نمره ۳ تا ۰ گرفته می‌شود، سوال‌های ۱ و ۲ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. بعد از امتیازدهی، جمع نمره‌ها به‌عنوان وضعیتی از نشانگان ضربه در نظر گرفته می‌شود (راس، ۲۰۰۷). روایی این پرسشنامه به روش واگرا با پرسشنامه شادکامی آکسفرود ۰/۶۳ و پایایی آن به روش همسانی دونی ۰/۷۳ آلفای کرونباخ گزارش شد (راس، ۲۰۰۷). ضریب همسانی درونی (ضریب آلفا) این پرسشنامه ۰/۸۱ و ضریب پایایی آن در ایران با روش بازآزمایی به فاصله یک هفته ۰/۸۳ به دست آمده است (فهیمی و همکاران، ۱۳۹۳). در پژوهش امان الهی و همکاران (۱۳۹۳) برای بررسی روایی،

1 Young Schema Questionnaire-Short Form (YSQ-SF)
2 Waller
3 Inventory for Parent and Peer Attachment (IPPA)
4 Armsden & Greenberg
5 Gullone & Robinson
6 Love Trauma Inventory (LTI)
7 Rosse

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.5.10.5]

همبستگی نشانگان ضربه عشق با پرسشنامه افسردگی برابر با ۰/۶۴ و با بخش صفت پرسشنامه اضطراب حالت – صفت برابر با ۰/۶۱ همچنین آلفای کرونباخ آن برابر با ۰/۷۸ به دست آمد. در پژوهش حاضر پایایی به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۰ محاسبه شده است.

یافته‌ها

در این پژوهش ۲۰۰ نفر از مراجعه کنندگان به مراکز مشاوره دانشگاه علوم پزشکی ایران، دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد رودهن با شکایت تجربه شکست عاطفی مشارکت داشتند. این افراد با میانگین و انحراف معیار سن ۳/۷۸±۲۸/۳۱ حضور داشتند که ۱۱۱ نفر زن (۵۵/۵ درصد) و ۸۹ نفر مرد (۴۴/۵ درصد) بودند. از نظر تحصیلات ۹۸ نفر کارشناسی (۴۹ درصد)، ۸۰ نفر کارشناسی ارشد (۴۰ درصد) و ۲۲ نفر مقطع دکتری تخصصی و حرفه‌ای (۱۱ درصد) بودند. ۱۳۷ نفر (۶۸/۵ درصد) شاغل و ۶۳ نفر (۳۱/۵ درصد) محصل بودند. در جدول ۱ شاخص‌های توصیفی و ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی و ماتریس همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش

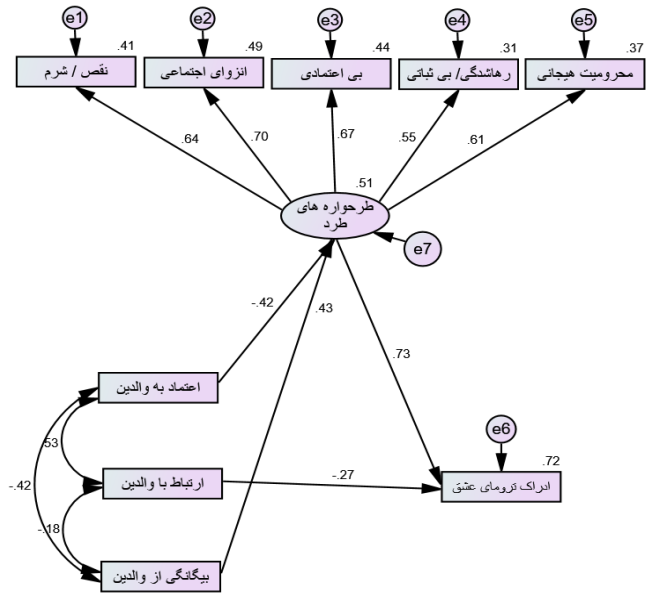
متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱. ادراک ترومای عشق	۱								
۲. محرومیت هیجانی	۰/۴۵۶**	۱							
۳. رهاشدگی / بی ثباتی	۰/۴۲۹**	۰/۳۰۹**	۱						
۴. بی اعتمادی / بدرفتاری	۰/۴۹۳**	۰/۴۷۸**	۰/۴۳۰**	۱					
۵. انزوای اجتماعی / بیگانگی	۰/۵۴۹**	۰/۴۶۶**	۰/۳۷۳**	۰/۴۵۳**	۱				
۶. نقص / شرم	۰/۵۵۲**	۰/۳۷۶**	۰/۲۹۲**	۰/۳۸۱**	۰/۴۸۹**	۱			
۷. اعتماد به والدین	-۰/۵۸۹**	-۰/۳۶۲**	-۰/۴۰۰**	-۰/۳۹۱**	-۰/۳۶۴**	-۰/۴۰۱**	۱		
۸. ارتباط با والدین	-۰/۴۵۹**	۰/۱۱۷	-۰/۱۳۲	-۰/۱۲۰	-۰/۱۳۰	-۰/۲۳۰**	۰/۵۲۸**	۱	
۹. بیگانگی از والدین	۰/۵۲۵**	۰/۳۰۶**	۰/۳۴۰**	۰/۴۳۰**	۰/۴۰۱**	۰/۳۶۶**	-۰/۴۲۱**	-۰/۱۷۷*	
میانگین	۱۵/۸۴	۱۳/۹۵	۱۲/۹۵	۱۲/۰۱	۱۰/۲۵	۱۲/۹۵	۱۸/۷۷	۱۸/۸۸	۱۱/۱۷
انحراف معیار	۶/۴۲	۶/۹۱	۵/۵۳	۶/۴۱	۵/۲۳	۵/۵۸	۳/۹۳	۳/۹۴	۴/۹۴
کجی	-۰/۰۴۴	۰/۰۰۹	۰/۱۱۹	۰/۰۹۹	-۰/۱۷۴	-۰/۱۶۸	۰/۰۲۱	۰/۷۹۱	-۰/۱۴۶
کشیدگی	-۰/۰۷۸	-۰/۱۴۶	۰/۲۹۴	۰/۳۵۶	۰/۰۲۱	-۰/۰۳۰	-۰/۲۱۵	۱/۱۵۹	۰/۲۴۸

* P ‹ ۰/۰۵ **P ‹۰/۰۱

با توجه به اینکه شاخص‌های کجی و کشیدگی در محدوده ۲± قرار دارد، داده‌ها دارای توزیع نرمال هستند. جهت بررسی رابطه بین آن‌ها از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد؛ نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که ادراک ترومای عشق با طرحواره‌های حوزه طرد (محرومیت هیجانی، رهاشدگی / بی‌ثباتی، بی اعتمادی/ بدرفتاری، انزوای اجتماعی/ بیگانگی و نقص / شرم) همبستگی مثبت و معنادار دارد (P<۰/۰۵)؛ به‌عبارت دیگر هرچقدر نمره افراد در طرحواره‌های حوزه طرد و بریدگی بیشتر باشد؛ ادارک ترومای عشق بیشتر است. همچنین نتایج نشان داد که ادراک ترومای عشق با اعتماد به والدین و ارتبط با والدین همبستگی منفی و با بیگانگی از والدین ارتباط

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.5.10.5]

مثبت و معنادار دارد (P<۰/۰۵). در این پژوهش مفروضه هم‌خطی بودن از طریق ارزیابی مقادیر عامل تورم واریانس[1] (VIF) و ضریب تحمل[2] مورد بررسی قرار گرفت. همچنین ضریب تحمل و عامل تورم واریانس متغیرهای پیش‌بین به ترتیب بزرگ‌تر از ۰/۱ و کوچک‌تر از ۱۰ بودند که نشان می‌دهد مفروضه هم‌خطی بودن در بین داده‌های پژوهش حاضر برقرار است. همچنین نتیجه آزمون دوربین –واتسون ۱/۹۸ محاسبه شده که به دلیل قرار گرفتن در بازه ۲/۵۰ الی ۱/۵۰، نشان دهنده استقلال خطاها است. به منظور آزمون مدل مورد نظر یعنی بررسی نقش واسطه‌گری دلبستگی به والدین از روش تحلیل مسیر استفاده شد. پارامترهای اندازه‌گیری روابط مستقیم در شکل ۱ ارائه شده است.



شکل ۱. ضرایب اثرات مستقیم و غیر مستقیم در حالت اصلاح

در شکل ۱ مدل اصلاح شده نشان می‌دهد که ضریب اثرمستقیم ارتباط با والدین و طرحواره‌های حوزه طرد و بریدگی بر ادراک ترومای عشق معنادار است؛ همچنین اثر مستقسم اعتماد به والدین و بیگانگی از والدین بر طرحواره‌های حوزه طرد و بریدگی معنادار است. لازم به ذکر است، با توجه به اینکه اثرات مستقیم ارتباط با والدین و بیگانگی از والدین بر ادراک ترومای عشق معنادار نبود و همچنین به دلیل عدم معناداری ارتباط با والدین با طرحواره‌های حوزه طرد؛ در بررسی برازش مدل و روابط غیر مستقیم این مسیرها حذف شدند. در ادامه جدول ۲ ضرایب مسیرهای مستقیم ارائه شده است.

جدول ۲: برآوردهای ضرایب اثرات مستقیم متغیرها دلبستگی به والدین (برون‌زا) با طرحواره‌های حوزه طرد (میانجی) و متغیر ادراک ترومای عشق (وابسته اصلی)

متغیرها	β	S.E.	حد پایین	حد بالا	t (C.R)	P
ارتباط با والدین ---> ادراک ترومای عشق	-۰/۲۷۱	۰/۰۸۸	-۰/۴۳۷	-۰/۰۹۰	-۵/۲۵۲	۰/۰۰۳
اعتماد به والدین ---> طرحواره‌های حوزه طرد	-۰/۴۱۸	۰/۰۷۸	-۰/۵۷۳	-۰/۲۶۳	-۵/۲۴۸	۰/۰۰۱
بیگانگی از والدین---> طرحواره‌های حوزه طرد	۰/۴۳۱	۰/۰۷۷	۰/۲۵۹	۰/۵۵۶	۵/۱۰۳	۰/۰۰۱
طرحواره‌های حوزه طرد---> ادراک ترومای عشق	۰/۷۲۵	۰/۰۷۳	۰/۵۸۳	۰/۸۶۷	۶/۳۵۹	۰/۰۰۲

پس از اصلاح مدل و حذف روابط غیرمعنادار، نتایج نشان داد که ارتباط با والدین (β =-۰/۲۷۱) بر ادراک ترومای عشق اثر منفی و معنادار دارد (P<۰/۰۵). هچنین اعتماد به والدین (β =-۰/۴۱۸) و بیگانگی از والدین (β =۰/۴۳۱) بر طرحواره‌های حوزه طرد اثر منفی و معنادار دارند (P<۰/۰۵).

1. variance inflation factor
2. tolerance

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.5.10.5]

طرحواره‌های حوزه طرد بر ادراک ترومای عشق (β =۰/۷۲۵) اثر مثبت و معنادار دارد (P<۰/۰۵). در ادامه با استفاده از آزمون بوت استرپ، اثرات غیرمستقیم ارائه شده است.

جدول ۳. ضرایب اثرات غیرمستقیم بر اساس آزمون بوت استرپ

متغیرها	β	S.E.	حد پایین	حد بالا	P
اعتماد به والدین ---> طرحواره‌های حوزه طرد---> ادراک ترومای عشق	-۰/۳۰۳	۰/۰۷۱	-۰/۴۴۸	-۰/۱۷۸	۰/۰۰۱
بیگانگی از والدین---> طرحواره‌های حوزه طرد---> ادراک ترومای عشق	۰/۳۱۳	۰/۰۶۵	۰/۱۸۰	۰/۴۳۸	۰/۰۰۱

نتایج آزمون بوت استرپ برای بررسی اثرات غیر مستقیم نشان داد که اعتماد به والدین (β =-۰/۳۰۳) و بیگانگی از والدین (β =۰/۳۱۳) با میانجی‌گری طرحواره‌های حوزه طرد بر ادراک ترومای عشق به‌ترتیب اثر منفی و مثبت معنادار دارند (P<۰/۰۵). در ادامه شاخص‌های برازش مدل اصلاح شده در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴: شاخص‌های برازش مدل مفهومی

شاخص‌های برازندگی	مدل اولیه	حد مطلوب
مجذور کای	۲۴/۴۴	-
درجه آزادی	۲۳	-
مقدار P	۰/۳۸۰	P>۰/۰۵
X2/df	۱/۰۵	کمتر از ۵
GFI	۰/۹۷	۰/۹۰ <
AGFI	۰/۹۴	۰/۸۵۰ <
CFI	۰/۹۸	۰/۹۰ <
RMSEA	۰/۰۲	۰/۰۸ <

جدول ۴ نشان می‌دهد، پس از اصلاح مدل، شاخص‌های برازندگی حاصل از تحلیل عاملی تأییدی از برازش مطلوب مدل اندازه‌گیری با داده‌های گردآوری شـــده حمایت می‌کنند (χ^2/df=۱/۰۵، CFI=۰/۹۴، GFI=۰/۹۸، AGFI=۰/۹۴ و RMSEA=۰/۰۲)، بر این اســـاس می‌توان گفت که مدل پیشنهادی از برازش مطلوب برخوردار است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه دلبستگی به والدین و ادراک سندرم ترومای عشق با نقش میانجی طرحواره‌های ناسازگارانه حوزه طرد و بریدگی انجام شد. نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که دلبستگی به والدین در مولفه‌های اعتماد و ارتباط با والدین با ادراک ترومای عشق همبستگی منفی و با بیگانگی از والدین همبستگی مثبت و معنادار دارد؛ نتیجه حاضر با مطالعات یوسفی و همکاران (۱۳۹۶)، امیری پیچا کلایی و همکاران (۱۳۹۱)، دویل و مارکیویزیک (۲۰۰۵)، دویل و همکاران (۲۰۰۹) و کاراکورت و همکاران (۲۰۱۳) همسو می‌باشد. در تبیین می‌توان گفت، تأثیر آسیب‌زای دلبستگی ناایمن به والدین می‌تواند پیامدهای شناختی و هیجانی ناخوشایندی به همراه داشته باشد. طبق دیدگاه طرحواره درمانی یانگ و همکاران (۲۰۰۶) تجارب هیجانی دوران کودکی که تحت عنوان دلبستگی از آن یاد می‌شود می‌تواند بر شکل‌گیری طرحواره‌های ناسازگارانه اثر بگذارد، به ویژه تجارب هیجانی که توام با طرد، بی اعتمادی و سوء استفاده باشد می‌تواند موجب شکل‌گیری طرحواره‌های حوزه طرد و بریدگی گردد.

نتیجه دیگر نشان داد که طرحواره‌های ناسازگارانه حوزه طرد و بریدگی به‌طور مستقیم با ادراک سندرم ترومای عشق رابطه دارند. نتیجه حاضر با مطالعات اعتمادنیا و همکاران (۱۴۰۰)، امیری پیچا کلایی و همکاران (۱۳۹۱) و رجبی و نیک‌پور (۲۰۱۷) همسو است. در تبیین می‌توان گفت طرحواره‌های ناسازگار اولیه به‌عنوان باورهای بنیادین و زیربنایی، نقش مهمی در تعبیر و تفسیر رویدادهای زندگی هر فرد دارند. به‌عبارت دیگر افراد، دنیا و تجارب زندگی خودشان را از چشم‌انداز طرحواره می‌نگرند. در واقع طرحواره‌های ناسازگار اولیه، به آسیب‌پذیری فرد برای انواع مختلف آشفتگی‌های روانی و شخصیتی منجر می‌شود. ازآنجاکه طرحواره‌های ناسازگار، ناکارآمد هستند، ناخشنودی از روابط را در پی دارند و زمینه را برای شکست عاطفی فراهم می‌کنند (عراقی و همکاران، ۱۳۹۹)؛ بنابراین روشن است افرادی

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.5.10.5]

که دارای چنین طرحواره‌ها یا باورهایی هستند، علاوه بر اینکه در روابط عاطفی خود با دیگران با احتمال بیشتری با شکست مواجه می‌شوند، بلکه هیجانات منفی شدیدتری را به خاطر فروپاشی روابط عاشقانه تجربه خواهند کرد و در واقع نشانگان ترومای عشق در این گروه شدیدتر و بارزتر خواهد بود چراکه این افراد با چنین باورهایی، حتی در پیدا کردن یک رابطه عاطفی جدید در آینده نیز ناامید هستند و به خاطر این تجربه منفی، افکار خودآیند منفی در آنها بیشتر از گذشته شدت می‌یابد و این باور منفی را در خود تقویت می‌کنند که حتی در آینده نیز نمی‌توانند یک ارتباط عاطفی و عاشقانه پایدار را تجربه کنند.

نتجه دیگر نشان داد که دلبستگی به والدین با به‌طور مستقیم با ادراک سندرم ترومای عشق رابطه دارند. نتیجه حاضر با مطالعات یوسفی و همکاران (۱۳۹۶)، دویل و مارکیویزیک (۲۰۰۵)، دویل و همکاران (۲۰۰۹) وکاراکورت و همکاران (۲۰۱۳) همسو است. در تبیین می‌توان گفت، محققان ثبات نسبی سبک‌های دلبستگی را تا بزرگسالی ثابت کرده‌اند. آن‌ها معتقدند که عشق رمانتیک را باید نوعی دلبستگی در نظر گرفت زیرا الگوی دلبستگی‌های بزرگسالی تحت تأثیر دلبستگی کودکی آن‌ها است. کودکان اگر با دریافت امنیت و مراقبت ایمن دلبستگی ایمن پیدا کنند، معمولاً به بزرگسالانی تبدیل می‌شوند که احساس آرامش می‌کنند و می‌توانند به کسانی که به آن‌ها علاقه دارند اعتماد کرده و تکیه کنند (منده[1] و همکاران، ۲۰۱۹). بنابراین، افراد ایمن اولین تجربیات خود را با یک مراقب قابل اعتماد و پایدار دارند و تجربیات اولیه فرد زمینه‌ای برای احساس امنیت در آینده خواهد بود. افراد از طریق دلبستگی ایمن به دیگران متعهد می‌شوند. این تعهد بدیهی است در رابطه صمیمانه با همسرشان نیز ادامه دارد (علیزاده مقدم و همکاران، ۱۴۰۰). همچنین سبک دلبستگی ایمن با حس درونی، آسایش و صمیمیت آن در ارتباط نزدیک همراه است که همه موارد می‌تواند ضامن یک رابطه دو سویه و پایدار باشد که در آن فرد با عدم قطعیت مخالف رابطه کمتری دارد. طرف و تداوم رابطه و تداوم رابطه. بنابراین، انرژی طرفین بیشتر در جهت بهبود و رضایت بخش است تا بتوان به آن اطمینان داد و این به معنای وجود آرامش در روابط و رضایت طرفین و احتمال شکست چنین چیزی است. رابطه‌ای نسبت به رابطه‌ای که طرفین دائماً با اطمینان از یکدیگر درگیر هستند. تعداد آن‌ها به مراتب کمتر است و اگر هر دو طرف مجبور به جدایی از یکدیگر شوند، دلیل منطقی برای جدایی وجود دارد که می‌تواند درد را تا حد زیادی تشدید کند. در میان گروه‌های ناایمن، افراد دارای سبک دلبستگی دوسوگرا و مضطرب معمولاً از احساسات منفی همراه با اضطراب و ترس از طرد شدن از طرف مقابل رنج می‌برند که با کنترل طرف مقابل و محدود کردن او می‌توان آن را کنترل کرد و در نتیجه تنش‌هایی در روابط ظاهر می‌شود (فرمانی[2] و همکاران، ۲۰۱۹). در واقع می‌توان گفت که دلبستگی سالم اساس شکل‌گیری روابط عاشقانه پایدار در بزرگسالی است و در صورتی که رابطه به هر دلیلی به شکست برسد، افراد با دلبستگی ایمن ضربه روانی کمتری ادراک می‌کنند و سلامت روان آن‌ها کمتر در معرض آسیب قرار می‌گیرد.

نتایج دیگر نشان داد که مولفه‌های دلبستگی اعتماد به والدین به‌طور منفی و بیگانگی از والدین به‌طور مثبت با میانجی‌گری طرحواره-های طرد و بریدگی بر ادراک ترومای عشق اثر غیر مستقیم دارند و نقش میانجی جزئی دارند. همسو با نتایج حاضر در مطالعات پیشین نشان داده شده است که دلبستگی ناایمن از عوامل موثر بر شکل‌گیری طرحواره‌های ناسازگارانه است (اعتمادنیا و همکاران، ۱۴۰۰؛ امیری پیچا کلایی و همکاران، ۱۳۹۱؛ رجبی و نیک‌پور، ۲۰۱۷). بنابراین، می‌توان یک مدل نظری را فرض کرد که در آن طرحواره های ناسازگار اولیه به‌عنوان یک واسطه شناختی در رابطه بین ناامنی دلبستگی و آسیب شناسی روانی عمل می‌کنند (رلوفس[3] و همکاران، ۲۰۱۳)؛ و ادراک ترومای عشق به‌عنوان یک آسیب روانی می‌تواند در این مدل مورد توجه قرار گیرد. در واقع می توان گفت که اگر تجارب اولیه در روابط عاطفی توام با طرد و بی‌اعتمادی باشد می‌تواند زمینه‌ساز طرحواره‌های بنیادین در این زمینه گردد که در نهایت می‌تواند پیامدهای روانشناختی در روابط بزرگسالی به همراه داشته باشد.

در مجموع نتایج نشان داد که دلبستگی سازگار به والدین (ارتباط با والدین) نقش موثری بر کاهش ادراک ترومای عشق دارد. اما اعتماد و بیگانگی از والدین با میانجی‌گری طرحواره‌های حوزه طرد و بریدگی بر ادراک ترومای عشق اثر غیر مستقیم دارند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که دلبستگی به والدین می‌تواند بر شکل‌گیری طرحواره‌های حوزه طرد و بریدگی تاثیر بگذارد و به دنبال آن بر ادراک ترومای عشق اثرگذار باشد.

1 Mende
2 Fermani
3 Roelofs

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.5.10.5]

از محدودیت‌های مطالعه حاضر می‌توان به روش نمونه‌گیری دردسترس، حجم نمونه پایین و عدم کنترل متغیرهای مداخله‌گر نظیر مدت زمانی که از ترومای عشق می‌گذرد، عدم سنجش اختلالات روانشناختی و تعداد تجربه‌ها مشابه در شکست رابطه عاشقانه اشاره کرد. پیشنهاد می‌شود که در مطالعات آینده نمونه‌های بیشتری به شیوه تصادفی انتخاب گردند و عوامل مداخله‌گر کنترل شوند. در آخر پیشنهاد می‌شود که از مداخلات درمانی مناسب به منظور تعدیل اثر دلبستگی ناایمن و طرحواره‌های ناسازگارانه در مراجعین با تجربه ترومای عشق استفاده شود.

منابع

اعتمادنیا، م.، شیرودی، ش.، خلعتبری، ج.، ابوالقاسمی، ش. (۱۴۰۰). تدوین مدلی برای پیش‌بینی نشانگان ضربه عشقی در دانشجویان بر اساس ویژگی‌های شخصیتی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه و بهزیستی معنوی. *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران. ۲۷* (۳)، ۳۱۸-۳۳۵. https://ijpcp.iums.ac.ir/article-1-3122-fa.html

اکبری، الف.، محمود علیلو، م.، خانجانی، ز.، پورشریفی، ح.، فهیمی، ص.، امیری پیچاکلایی، الف.، و عظیمی، ز. (۱۳۹۱). مقایسه دانشجویان دارای شکست عشقی با و بدون نشانگان بالینی درطرحواره های ناسازگار اولیه و الگوهای فرزندپروری. *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، ۱۸* (۳)، ۱۹۴-۱۸۴. http://ijpcp.iums.ac.ir/article-1-1885-fa.html

امان الهی، ع.، تردست، ک.، اصلانی، خ. (۱۳۹۳). پیش بینی نشانگان ضربه عشق بر اساس خودشفقتی در دانشجویان دختر دارای شکست عاطفی. *فصلنامه روان شناسی کاربردی، ۸* (۴)، ۶۱-۴۳. https://apsy.sbu.ac.ir/article_96262.html

امیری پیچاکلایی، الف.، خانجانی، ز.، پورشریفی، ح.، عظیمی، ز.، فهیمی، ص.، اکبری، الف.، محمودعلیلو، م.، قاسم پور، ع. (۱۳۹۱). بررسی مقدماتی علل تداوم نشانگان بالینی شکست عاطفی دانشجویان با تاکید بر سبک های دلبستگی و طرحواره های ناسازگار اولیه. *اندیشه و رفتار در روانشناسی بالینی (اندیشه و رفتار)، ۶* (۲۳)، ۲۱-۳۰. https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=215274

بشارت، م. ع. (۱۳۹۱). نقش واسطه ای مکانیسم های دفاعی در رابطه بین سبک های دلبستگی و ناگویی هیجانی. *روانشناسی کاربردی، ۶* (۱)، ۷-۲۲. https://apsy.sbu.ac.ir/article_95622.html

خراسانی‌زاده، ع.، رنجبری‌پور، ط.، پورشریفی، ح.، باقری، ف.، و پویامنش، ج. (۱۳۹۷). پیش‌بینی طرحواره‌های ناسازگار اولیه براساس الگوهای ارتباط والد- فرزند و سبک‌های دلبستگی. *اندیشه و رفتار، ۱۳* (۵۰)، ۱۷-۲۶. https://jtbcp.riau.ac.ir/article_1470.html

عراقی، ل.، شفیع آبادی، ع.، دلاور، ع.، و مردانی راد، م. (۱۳۹۹). مدل ساختاری شکست عشقی بر اساس ویژگی های شخصیتی، سبک دلبستگی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه، الگوهای فرزندپروری و حمایت اجتماعی ادراک شده. *مطالعات روانشناسی بالینی، ۱۰* (۴)، ۴۷-۷۵. https://jcps.atu.ac.ir/article_12558.html?lang=fa

علیزاده مقدم، الف.، محمدی، م.، نظیری، ق.، و امینی منش، س. (۱۴۰۰). پیش بینی نشانگان ضربه عشق بر اساس سبکهای دلبستگی با نقش میانجی تنظیم هیجان. *روان پرستاری،۹* (۳)، ۹۶-۱۰۶. https://ijpn.ir/article-1-1795-fa.html

فهیمی، ص.، عظیمی، ز.، اکبری، الف.، امیری پیچکلایی، الف.، و پورشریفی، ح. (۱۳۹۳). پیش بینی نشانگان بالینی در دانشجویان دارای تجربه شکست عاطفی بر اساس ساختارهای شخصیتی: نقش تعدیل کننده حمایت اجتماعی ادراک شده. *مجله دانش و تندرستی*، ۲(۴)، ۴۶-۵۹. http://dx.doi.org/10.22100/jkh.v9i4.397

ناصری محمدآبادی، ع.، عسکری، الف.، بهرامی، ف.، صادق، ر.، عابدی، ج. (۱۳۹۱). هنجاریابی پرسشنامه خزانه دلبستگی والدین و همسالان تجدیدنظر شده در کودکان ۹ تا ۱۱ ساله شهر اصفهان. *پژوهش های روان شناسی بالینی و مشاوره*، ۲(۲)، ۴۰-۲۵. https://tpccp.um.ac.ir/article_30265.html

یوسفی، ن.، امانی، الف.، عسگری، ر.، و سلیمانی، م. (۱۳۹۶). پیش‌بینی ضربهٔ عشق و افسردگی بر اساس سبک‌های دلبستگی در دانشجویان دارای شکست عاطفی. *دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، ۱۸* (۴)، ۱-۹ . http://jsr-p.khuisf.ac.ir/article_539384.html

Doyle, A. B., & Markiewicz, D. (2005). Parenting, marital conflict and adjustment from early-to mid-adolescence: Mediated by adolescent attachment style?. *Journal of youth and adolescence*, *34*(2), 97-110. https://doi.org/10.1007/s10964-005-3209-7

Doyle, A. B., Lawford, H., & Markiewicz, D. (2009). Attachment style with mother, father, best friend, and romantic partner during adolescence. *Journal of Research on Adolescence*, *19*(4), 690-714. https://doi.org/10.1111/j.1532-7795.2009.00617.x

Fermani, A., Bongelli, R., Carrieri, A., del Moral Arroyo, G., Muzi, M., & Portelli, C. (2019). "What is more important than love?" Parental attachment and romantic relationship in Italian emerging adulthood. *Cogent Psychology*, *6*(1), 1693728. https://doi.org/10.1080/23311908.2019.1693728

Grisham, J. R., Martyn, C., Kerin, F., Baldwin, P. A., & Norberg, M. M. (2018). Interpersonal functioning in hoarding disorder: An examination of attachment styles and emotion regulation in response to interpersonal stress. *Journal of obsessive-compulsive and related disorders*, *16*, 43-49. https://doi.org/10.1016/j.jocrd.2017.12.001

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.5.10.5]

Gullone, E., & Robinson, K. (2005). The inventory of parent and peer attachment—Revised (IPPA-R) for children: a psychometric investigation. *Clinical Psychology & Psychotherapy*, *12*(1), 67-79. https://doi.org/10.1002/cpp.433

Humphrey, C., Berry, K., Degnan, A., & Bucci, S. (2022). Childhood interpersonal trauma and paranoia in psychosis: The role of disorganised attachment and negative schema. *Schizophrenia Research*, *241*, 142-148. https://doi.org/10.1016/j.schres.2022.01.043

Karakurt, G., Keiley, M., & Posada, G. (2013). Intimate relationship aggression in college couples: Family-of-origin violence, egalitarian attitude, attachment security. *Journal of family violence*, *28*(6), 561-575. https://doi.org/10.1007/s10896-013-9526-9

Langhinrichsen-Rohling, J., Thompson, K., Selwyn, C., Finnegan, H., & Misra, T. (2017). Maladaptive schemas mediate poor parental attachment and suicidality in college students. *Death studies*, *41*(6), 337-344. https://doi.org/10.1080/07481187.2017.1280714

Love, H. A., Nalbone, D. P., Hecker, L. L., Sweeney, K. A., & Dharnidharka, P. (2018). Suicidal risk following the termination of romantic relationships. *Crisis*, *39* (3), 166-174. https://doi.org/10.1027/0227-5910/a000484

Mason, O., Platts, H., & Tyson, M. (2005). Early maladaptive schemas and adult attachment in a UK clinical population. *Psychology and psychotherapy: Theory, research and practice*, *78*(4), 549-564. https://doi.org/10.1348/147608305X41371

Mende, M., Scott, M. L., Garvey, A. M., & Bolton, L. E. (2019). The marketing of love: how attachment styles affect romantic consumption journeys. *Journal of the Academy of Marketing Science*, *47*(2), 255-273. https://doi.org/10.1007/s11747-018-0610-9

Pilkington, P. D., Bishop, A., & Younan, R. (2021). Adverse childhood experiences and early maladaptive schemas in adulthood: A systematic review and meta-analysis. *Clinical Psychology & Psychotherapy*, *28*(3), 569-584. https://doi.org/10.1002/cpp.2533

Riso, L. P., Froman, S. E., Raouf, M., Gable, P., Maddux, R. E., Turini-Santorelli, N., & Cherry, M. (2006). The long-term stability of early maladaptive schemas. *Cognitive Therapy and Research*, *30*(4), 515-529. https://doi.org/10.1007/s10608-006-9015-z

Roelofs, J., Onckels, L., & Muris, P. (2013). Attachment quality and psychopathological symptoms in clinically referred adolescents: The mediating role of early maladaptive schema. *Journal of child and family studies*, *22*(3), 377-385. https://doi.org/10.1007/s10826-012-9589-x

Rosse, R. B. (2007). The love trauma syndrome: free yourself from the pain of a broken heart. Da Capo Lifelong Books.

Scott, M., Rossell, S. L., Meyer, D., Toh, W. L., & Thomas, N. (2020). Childhood trauma, attachment and negative schemas in relation to negative auditory verbal hallucination (AVH) content. *Psychiatry research*, *290*, 112997. https://doi.org/10.1016/j.psychres.2020.112997

Sharma, S. R., Gonda, X., Dome, P., & Tarazi, F. I. (2020). What's Love Got to do with it: Role of oxytocin in trauma, attachment and resilience. *Pharmacology & therapeutics*, *214*, 107602. https://doi.org/10.1016/j.pharmthera.2020.107602

Simard, V., Moss, E., & Pascuzzo, K. (2011). Early maladaptive schemas and child and adult attachment: A 15-year longitudinal study. *Psychology and Psychotherapy: Theory, Research and Practice*, *84*(4), 349-366. https://doi.org/10.1111/j.2044-8341.2010.02009.x

Trombetta, T., Giordano, M., Santoniccolo, F., Vismara, L., Della Vedova, A. M., & Rollè, L. (2021). Pre-natal attachment and parent-to-infant attachment: A systematic review. *Frontiers in Psychology*, *12*, 664. https://doi.org/10.3389/fpsyg.2021.620942

Verhallen, A. M., Renken, R. J., Marsman, J. B. C., & Ter Horst, G. J. (2019). Romantic relationship breakup: An experimental model to study effects of stress on depression (-like) symptoms. *PLoS One*, *14*(5), e0217320. https://doi.org/10.1371/journal.pone.0217320

Waller, G., Meyer, C., & Ohanian, V. (2001). Psychometric properties of the long and short versions of the Young Schema Questionnaire: Core beliefs among bulimic and comparison women. *Cognitive Therapy and Research*, *25*(2), 137-147. https://doi.org/10.1023/A:1026487018110

Young, J. E. (1998). *Young Schema questionnaire short form*. New York: Cognitive Therapy Center.

Young, J. E. (1999). *Cognitive therapy for personality disorders: A schema-focused approach*. Professional Resource Press/Professional Resource Exchange.

Young, J. E., Klosko, J. S., & Weishaar, M. E. (2006). *Schema therapy: A practitioner's guide*. guilford press.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.5.10.5]